

یک جمع بندی از جنبش طبقاتی کارگران در سال ۸۴

سال ۸۴ با پیشرفت های بس مهمی در جنبش طبقاتی کارگران همراه بود. طبقه کارگر ایران در سال گذشته، یکی از پربارترین و درخشان ترین دوران های حیات خود را از سر گذراند. به رغم تمامی فشارها و محدودیت هایی که در حق کارگران اعمال می شود، اصلی ترین و مهم ترین نیروی عرصه فعال مبارزه در این یک سال، جنبش طبقاتی وبالنده کارگران بوده است. تا آنجا که به مبارزات و اعتراضات کارگری بر می گردد، به رغم ممنوعیت اعتراض و اعتصاب، کارگران صد ها اعتصاب کوچک و بزرگ برپا کردند و صدها بار در اشکال متنوع دیگری نیز دست به اعتراض زدند. اعتراضات و اعتصابات کارگری نه فقط به لحاظ کمی نسبت به سال های قبل تر از آن رشد و افزایش یافت، بلکه از لحاظ کیفیت و مضمون نیز رشد و ارتقاء یافت. طبقه کارگر در سال ۸۴ نه تنها توانست دستاوردهای مبارزاتی خود در عرصه تشکل یابی و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در سال ۸۳ را حفظ کند، بلکه این دستاورد ها را به نیروی مبارزه خود و اتحاد طبقاتی کارگران گسترش داد و عرصه های نوینی را نیز فراروی جنبش طبقاتی کارگران گشود. رویدادهای کارگری در سال ۸۴ بیانگر رودرروئی متشکل تر و سازمان یافته تر کارگران با کارفرمایان و سرمایه داران است. طبقه کارگر ایران که بایک سلسله مبارزات خود در سال ۸۳ که سرآغاز آن به برگزاری مراسم مستقل اول ماه در سقز بر می گشت، حضور پر قدرت خویش در عرصه سیاسی و اجتماعی را اعلام کرده بود، با گسترش و تکامل این مبارزات، نه تنها این حضور را پررنگ تر نمود و آنرا تثبیت کرد، بلکه ورود متشکل تر و با اتوریته تر خود را در مقیاس کل جامعه اعلام داشت.

رویدادهای کارگری در سال ۸۴ تماما حاکی از رشد تشکل یابی کارگران، رشد و ارتقاء درجه سازمان یافتگی اعتراضات و اعتصابات کارگری و رشد و ارتقاء آگاهی طبقاتی در صفوف کارگران است. برای اثبات صحت این دیدگاه می توان به رویدادهای متعددی مراجعه و به آن استناد کرد که در این جا تنها به چند رویداد از میان مجموعه رویدادهای کارگری آنهم به طور فشرده اشاره ای خواهیم داشت.

اول ماه مه

یکی از درخشان ترین سر فصل های جنبش کارگری در سال ۸۴ برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه است. به مناسبت روز جهانی کارگر، سال گذشته نیز کارگران مراسم های مستقل و متعددی در تهران، کرج، سنندج، سقز، تبریز و برخی دیگر از شهرستان ها برگزار نمودند. این در حالیکه دولت جمهوری اسلامی و مزدوران اش در خانه کارگرو شوراها و اسلامی سرگرم تدارک برگزاری مراسم فرمایشی خود بودند و از برگزاری مراسم مستقل و آزادانه توسط خود کارگران ممانعت به عمل می آوردند و حتا بسیاری از کارگران و فعالان کارگری به ”جرم“ برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه در سال ۸۳ هنوز تحت تعقیب و پیگرد قرار داشتند. با این همه هزاران تن از کارگران و فعالان کارگری که از قبل برگزاری مراسم مستقل خود را تدارک دیده و آنرا سازماندهی کرده بودند، این موانع را از سر راه خود کنار زدند و مراسم مستقل اول ماه مه را به خواست و اراده خود در اشکال متنوعی، پر شکوه تر از سال گذشته برگزار نمودند. در مراسم های مستقلی که توسط گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی درون جنبش کارگری تدارک دیده شده بود و برگزار گردید، کارگران با اجرای سرود انترناسیونال بر همبستگی بین المللی کارگران و بر عزم و اراده واحد پرولتاریای جهان به براندازی نظام سرمایه داری و نابودی هرگونه تبعیض و استثمار و نابرابری، تاکید کردند. در مراسم های مستقل اول ماه مه، کارگران ضمن اعلام همبستگی با هم طبقه ای های خود در سراسر جهان در مبارزه علیه نظم سرمایه داری، به قرانت مقالاتی پیرامون تاریخچه اول ماه مه پرداختند و ضمن بحث و گفتگو پیرامون تشکل های کارگری و ضرورت متشکل شدن کارگران، سیاست دولت در زمینه مسائل کارگری را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. کارگران در شعارها و قطعنامه های پایانی این مراسم ها، که از مضمون و محتوای بسیار بالائی برخوردار بود، ضمن طرح مطالبات سیاسی و اقتصادی خود، که در میان آنها خواست حق ایجاد تشکل های کارگری بسیار پررنگ و برجسته بود، آشکارا علیه استثمار و ستم طبقاتی موضع گیری کردند و با انگشت گذاشتن بر نظام سرمایه داری به عنوان مسبب اصلی فقر و بدبختی ونداری و سایر مصائب اجتماعی موجود، بر ضرورت نابودی این نظام ضد انسانی و جایگزینی آن با یک نظام عالی تر و عاری از بهره کشی تاکید داشتند. کوتاه سخن این که در اول ماه مه ۸۴، کارگران، با شعارها، اهداف و مطالبات طبقاتی خود وارد میدان شدند و حضور پر قدرت خود در عرصه سیاسی و اجتماعی را تثبیت کردند.

در این جا بی مناسبت نیست که به دو رویداد دیگر در رابطه با اول ماه مه که هر دوی آن ها نیز بیانگر رشد و ارتقاء درجه آگاهی و تشکل یابی در صفوف کارگران است اشاره ای داشته باشیم.

اول ماه مه،

”شلیک بر شقیقه خانه کارگر“!

خانه کارگر و شوراهای اسلامی در راستای اجرای سناریوی مسخره ”هفته کارگر“ در صدد بود که روز اول ماه مه کارگران را در سالن دوازده هزار نفره ورزشگاه آزادی که از قبل با پلاکاردها و شعارهایی به منظور تبلیغات انتخاباتی به نفع رفسنجانی تزئین یافته بود، گرد آورد تا رفسنجانی در جمع کارگران به سخن رانی بپردازد. کارگران که در مسیر راه پیمانی تا ورزشگاه آزادی باسر دادن شعار، به طرح مطالبات خود پرداخته بودند، باورود به سالن و مشاهده فضای آن، سخت خشمگین شدند و باصدای بلند شعارها و خواست های خود را تکرار نمودند. وقتی که یکی از مزدوران خانه کارگری پشت میکروفن قرار گرفت، کارگران به طور دستجمعی وی راهو کردند و سپس باسر دادن شعارهای کوبنده خود علیه مزدوران رژیم در خانه کارگر و شوراهای اسلامی و ارباب آنها رفسنجانی، علیه سرمایه داران، علیه اخراج ها و قراردادهای موقت و نیز شعارهای دیگری پیرامون اتحاد کارگران، حق اعتصاب و حق تشکل، فضای سالن را پر کردند و در ادامه این اقدام پرشور و اعتراضی خود سالن مربوطه را ترک کردند. کارگران بااین اقدام شجاعانه و آگاهانه خود، که سران خانه کارگر آن را ”شلیک بر شقیقه خانه کارگر“ خواندند، تمام نقشه های رفسنجانی و نوکران وی امثال محبوب و صادقی را نقش بر آب کردند. کارگران با این خروش اعتراضی خود، ضمن آن که تودهنی محکمی بر دهان رفسنجانی و همه آن کسانی زدند که شعور و آگاهی کارگران را دست کم گرفته بودند، مراسم نمایشی نهادهای وابسته به رژیم را که علیه کارگران تدارک دیده شده بود، به ضد خود تبدیل ساختند.

ایران خورو و تعطیلی روز کارگر

جمهوری اسلامی در آغاز به هیچ وجه حاضر نبود اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به عنوان روز کارگر و تعطیل کارگری بپذیرد. بعد از یک رشته کشمکش های طبقاتی و مبارزات طولانی مدت کارگران، رژیم جمهوری اسلامی به اجبار، روز کارگر را به عنوان یک روز تعطیل پذیرفت. در ماده ۶۳ قانون کار رژیم نیز این روز، جزء تعطیلات رسمی کارگران به حساب آمده است. اما تصدیق لفظی تعطیلی روز کارگر و تاکید ”قانونی“ آن، هیچ گاه مانع از آن نبود که سرمایه داران و کارفرمایان در عمل روز اول ماه نیز کارگران را به کار وادارند. در ایران خودرو مانند بسیاری از کارخانه ها و واحدهای تولیدی دیگر که فشار کار بسیار بالاست، روز اول ماه مه، هر ساله توسط کارفرما و مدیریت، روز کاری اعلام می شد و چنانچه کارگری از کارکردن در این روز خودداری می کرد فوراً از کار اخراج می شد. اما در سال گذشته کارگران آگاه ایران خودرو توانستند این سنت ضد کارگری را برهم زنند.

چند روز مانده به اول ماه مه، جمعی از کارگران ایران خودرو با صدور اطلاعیه آگاه گرانه ای، برحق کارگران به تعطیل اول ماه مه تاکید کردند و به مدیران شرکت هشدار دادند که اجازه ندارند روز کارگر را، روز کاری اعلام کنند. کارگران ایران خودرو در اطلاعیه خود از جمله چنین نوشتند که ما کارگران ایران خودرو همراه تمام کارگران ایران به منظور اعلام همبستگی با کارگران سراسر جهان و در اعتراض به بی عدالتی ها و نابرابری ها و علیه فقر و بیکاری، برای لغو قراردادهای موقت و برچیده شدن شرکت های پیمانکاری به طور متحد و یک پارچه روز اول ماه مه در سر کار حاضر خواهیم شد.

به دنبال این اقدام هوشیارانه پیشروان کارگری ایران خودرو و حمایت کارگران از آن، مدیریت شرکت که تصمیم داشت مطابق سال های گذشته کارگران را در روز تعطیل کارگر هم وادار به کار کند، مجبور به عقب نشینی شد و با صدور اطلاعیه ای روز کارگر را رسماً و عملاً تعطیل اعلام نمود. تعطیلی روز کارگر نه فقط از این جنبه که سرمایه دار یک روز کمتر از کارگر کارمی کشد و باید مزد این روز را به کارگر بپردازد مهم است، بلکه به ویژه از لحاظ سیاسی از آن جا که اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران و تجلی اراده واحد پرولتاریای سراسر جهان برای برچیدن نظام سرمایه داری و نابودی استثمار است، از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است.

البته فعالیت ها و مبارزات کارگران ایران خودرو به این خلاصه نمی شود. در سال ۸۴ کارگران ایران خودرو و جمع های متشکل درون آن به عنوان یکی از فعال ترین و پرتحرک ترین بخش های کارگری در تهران اظهار وجود کردند. کارگران ایران خودرو و جمع های متشکل درون آن، تنها در عرصه تحقق مطالبات خاص شرکت ایران خودرو نبود که اعتصابات و اعتراضات کارگری را سازماندهی کردند و به فرض در برابر دستگیری ها، اخراج ها، زدن حق و حقوق کارگران، بسیار به موقع و متحد و یک پارچه از خود عکس العمل نشان دادند و در این اواخر در اعتراض به کاهش پاداش آخر سال، با تشکیل کمیته اعتصاب به جنگ کارفرما و حامیان آن رفتند. عرصه مهم دیگر فعالیت ها و تحرکات مبارزاتی ایران خودرو، حمایت از اعتصابات سایر کارگران و پشتیبانی از مطالبات تمام دیگر بخش های کارگری بوده است. به جرأت می توان گفت که کارگران پیشرو ایران خودرو و تشکل آنها در تمام رویدادهای مربوط به جنبش کارگری با هوشیاری قابل تحسینی فعالانه مداخله نموده و با صدور اطلاعیه ها و بیانیه های مختلف و انعکاس آن در مقیاس داخلی و بین المللی، در دامن زدن به فضای اتحاد طبقاتی کارگران و تقویت همبستگی کارگری نقش بسیار مهمی نیز ایفا نموده اند.

اعتصابات کارگران ایران خودرو و فعالیت های بلا انقطاع کارگران متشکل در این شرکت در سال ۸۴، به روشنی

ارتقاء سطح آگاهی و سازمان دهی در صفوف کارگران این بخش را به نمایش می گذارد. در سال گذشته کارگران در دهها و صدها مورد دیگر نیز در سراسر ایران دست به اعتصاب و تجمع زدند، مانند اعتصابات متعدد کارگران نساجی کردستان و کارگران کارخانه شاهر در سنج، اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر، پتروشیمی آبادان، اعتصاب گسترده کارگران پتروشیمی کرمانشاه، اعتصاب کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون، اعتصاب کارگران شرکت واحد (اتوبوسرانی تهران)، اعتصابات و اجتماعات اعتراضی کارگران معدن سنگرود، اعتصاب کارگران معدن کرمیت اسفندقه و معدن زغال سنگ کرمان، اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ البرز، اعتصاب کارگران کارخانه الکتریک رشت، اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز، اعتصابات کارگران واحدهای نساجی در یزد، کرمان، گیلان، کاشان، قزوین، اصفهان و دهها اجتماع اعتراضی و اعتصاب دیگر در سراسر ایران که هر یک از آن ها بلاتردید حاوی تجارب و دست آوردهای مبارزه طبقاتی کارگران است. در اینجا مجال پرداختن به یکایک این اعتصابات نیست. اما بنا به جایگاه بسیار مهم و بی همتای اعتصاب کارگران شرکت واحد در جنبش کارگری، ضروریست این اعتصاب را قدری مشروح تر مورد بررسی قرار دهیم.

اعتصاب کارگران شرکت واحد و ایجاد سندیکا به نیروی کارگران

تلاش های پیگیرانه کارگران شرکت واحد و بیکار شجاعانه و متحدانه آنان برای ایجاد و یا احیای سندیکای مستقل خود، مهم ترین رویداد کارگری در سال گذشته است. این رویداد در یک مقطع زمانی، فضای سیاسی کل جامعه را تحت تاثیر قرار داد. فعالین سندیکائی و کارگران پیشرو شرکت واحد، از مدت ها پیش احیاء و تشکیل سندیکای مستقل خود را در دستور کار قرار داده بودند. مستقل از سخن ها و عوام فریبی های مسئولین دولتی و نمایندگان سازمان بین المللی کار پیرامون "تشکل آزادی کارگری" و "تقویت و توسعه انجمن های صنفی (سندیکا)" در اواسط سال ۸۳، شرایط واقعی جامعه و روند مبارزه کارگران بار دیگر به همه نشان داد که کارگران اگر می خواهند تشکل کارگری داشته باشند و اگر می خواهند سندیکا داشته باشند به هیچوجه نباید به مذاکرات و وعده های این ها دل ببندند و تنها و تنها باید روی نیروی خود حساب کنند. نه فقط کسی حاضر نبود موانع موجود بر سر راه تشکل یابی و ایجاد سندیکا را "برطرف" سازد، بلکه هر روزه موانع و محدودیت ها جدیدتری نیز بر سر راه کارگران و تشکل آنان قرار می گرفت. با یورش اوباشان و عمال رژیم به دفتر سندیکا، ضرب و شتم رهبران سندیکا و اشغال محل برگزاری مجمع عمومی، کارگران به خیابان آمدند. پروسه رویکرد از دیدارها و گفتگوهای فرسایشی وقت بر بادده پیرامون رفع موانع ایجاد سندیکا به اعتصاب به عنوان یک ابزار و وسیله مؤثر مبارزه کارگری، البته بیش از یک سال طول کشید. با اعلام اعتصاب، کارزار مبارزاتی کارگران وارد مرحله پیشرفته تری از مبارزه شد. گرچه در آستانه اعتصاب بسیاری از فعالین و اعضای هیئت مدیره سندیکا بازداشت شدند، اما هزاران تن از کارگران شرکت واحد روز چهارم دی ماه متحدان دست از کار کشیدند. ترافیک تهران مختل شد. ترس از گسترش و سرایت اعتصاب به دیگر بخش ها، رژیم راعقب نشانید. بازداشت شدگان به جز یک نفر، آزاد شدند. اما مطالبات کارگران تحقق نیافت. سندیکا دوباره فراخوان اعتصاب داد. هشتم بهمن ماه مناطق ده گانه تجمع کارگران به اشغال نیروهای نظامی و سرکوب درآمد. کارگران وحشیانه مورد یورش و ضرب و شتم قرار گرفتند. دستگیری ها و بازداشت های وسیع آغاز شد. ۱۲۰۰ نفر از کارگران و فعالان کارگری بازداشت شدند. رهبران سندیکا را یک به یک دستگیر و روانه زندان کردند و اعتصاب را درهم شکستند.

اعتصاب کارگران شرکت واحد با خشونت و بی رحمی درهم شکست، اما شکست اعتصاب از اهمیت و دستاوردهای آن نمی کاهد.

اولا برپائی اعتصاب بزرگ چند هزارنفره به خودی خود نشان دهنده نفوذ عمیق سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در میان کارگران و بیانگر وجود یک سازماندهی قوی در میان کارگران است. هنر سندیکای کارگران شرکت واحد، تنها در سازماندهی اعتصاب های بزرگ چند هزار نفره خلاصه نمی شود. پیگیری مسائل و سازماندهی بعد از اعتصاب نیز از جمله نکات بسیار مهمی است که ما در این مورد شاهد آن هستیم. ایجاد "ستاد تبلیغات و اطلاع رسانی" توانائی، پشتکار و شجاعت فعالین سندیکا در برقراری تماس ها و پوشش دادن رسانه های خبری برای جلب حمایت های داخلی و بین المللی، نه فقط بیانگر هوشیاری و دور اندیشی کارگران، بلکه همچنین نشان دهنده رشد درجه آگاهی و تشکل یابی در میان کارگران است. به رغم بازداشت بسیاری از اعضای هیئت مدیره سندیکا و حتا در اوج بگیر و ببندها، سندیکای کارگران شرکت واحد از فعالیت باز نایستاد و با صدور اطلاعیه ها و بیانیه ها و موضع گیری های خود همچنان فعالانه در صحنه حضور داشت. به میدان آمدن دهها و صدها فعال کارگری و سندیکائی که با دستگیری هر یک، بلافاصله فعال دیگری جای آن را پر می کرد و مطالبات کارگران را پی گیری می نمود، نشان دهنده پرورش پر شمار کارگران آگاه و در عین حال توده ای شدن سندیکای مستقل کارگران است.

اعتصابات و کل پروسه مبارزاتی کارگران شرکت واحد در یک سال گذشته، بار دیگر این موضوع را مسجل ساخت که تشکل کارگری و ایجاد سندیکا ربطی به دولت، کارفرما و یا فلان نهاد وابسته به انحصارات مالی بین المللی ندارد. بلکه تشکل کارگری امر خود کارگران است و باید به دست خود کارگران ایجاد و حفظ شود. کارگران شرکت واحد نیز بعد از

پشت سر گذاشتن یک دوره مبارزه پرفراز و نشیب، سندیکای مستقل خود را به نیروی خود ایجاد کردند و عملاً آنرا بر رژیم تحمیل کرده اند. این سندیکا چه رژیم بخواد، چه نخواهد، هم اکنون هزاران عضو دارد و از ۱۷۰۰۰ پرسنل شرکت واحد، به جز تعداد معدودی، بقیه کارگران از این سندیکا حمایت می کنند.

کمیته های کارگری

سال گذشته ما همچنین شاهد رشد بیش از پیش تشکل یابی کارگران و تحرک فعالین کارگری برای ایجاد کمیته های کارگری هستیم. اگر در سال ۸۳ پیشروان و فعالین کارگری، آغاز به تمرکز بخشی از کوشش های خود در این زمینه نمودند، در سال ۸۴ ما شاهد جوانه زدن و ثمر دادن این کوشش ها هستیم. حق ایجاد تشکل مستقل، مستقل از دیدگاه های مختلف در درون جنبش کارگری در این زمینه، خواست عمومی تمام کارگران بود و در بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی نیز کارگران به ابتکار خود و با توجه به شرایط خود، کمیته های کارگری و کمیته های کارخانه را ایجاد کردند که بعضی از این کمیته ها نیز علناً اعلام موجودیت کرده اند. "اتحاد کمیته های کارگری" مرکب از کمیته کارگری تهران، کمیته کارگری گیلان، کمیته کارگری کرمانشاه، کمیته های کارگری در خوزستان، سقز، سنندج و بوکان، همراه با انتشار بیانیه ای به مناسبت اول ماه مه، اعلام موجودیت کرد.

افزون بر کمیته های کارگری و کمیته های کارخانه، فعالان و پیشروان کارگری، کمیته ها و تشکل های دیگری نیز در ارتباط با کارگران و به منظور پیشبرد مبارزات و تحقق مطالبات کارگران ایجاد کرده اند. علاوه بر "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری" که با انتشار بیانیه ای در اواخر سال ۸۳ اعلام موجودیت کرد، در سال ۸۴ نیز کمیته دیگری به نام "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" با انتشار بیانیه ای در آستانه اول ماه مه، اعلام موجودیت کرد. در سال گذشته و در ادامه تعقیب و آزار کارگران دستگیر شده اول ماه مه در سقز و صدور احکام محکومیت آنان از ۲ تا ۵ سال زندان، کمیته ای به نام "کمیته دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه" نیز اعلام موجودیت نمود و فعالیت خود را آغاز کرد. پیش از آن نیز یک "تشکل سراسری کارگران بیکار" اعلام موجودیت کرده بود. حضور فعال این کمیته ها و تشکل ها در عرصه مبارزات بسیار چشمگیر است.

در تمام رویدادهای مهم کارگری سال گذشته، از تدارک و سازماندهی مراسم های مستقل اول ماه مه و برپائی اعتصابات و اعتراضات کارگری گرفته تا صدور اطلاعیه ها، بیانیه های آگاه گرانه و حمایتی از کارگران، از تهیه گزارشات کارگری و دائر کردن سایت های اینترنتی گرفته تا انتشار نشریات کارگری، همه جا نقش این تشکل ها و جمع های متشکل دیگر کارگری دیده می شود. کوشش های ادامه دار کارگران و پیشروان کارگری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و توفیق آنها در ایجاد برخی تشکل های کارگری، یکی دیگر از تجلیات و نشانه های رشد و ارتقاء آگاهی در صفوف کارگران و پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران است.

سخن آخر

حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری، یک خواست اساسی و مهم جنبش کارگری در سال گذشته بود. مبارزه کارگران برای تحقق این خواست محوری، با وضوح شگرفی بر این مسئله صحنه می نهد که کارگران ایران بیش از پیش بر ضرورت متشکل شدن در تشکل های طبقاتی خود آگاهی یافته و در عمل دارند آن را دنبال می کنند.

جنبش کارگری با به میان کشیدن این خواست سیاسی و رودروئی آشکار با دستگاه دولتی، بر تمامی آن تلاش ها و افکاری که سعی داشت خواست و مبارزه کارگران را صرفاً به مسائل صنفی و اقتصادی محدود کند، به پر رنگ ترین شکلی خط بطلان کشید. از سوی دیگر حضور ممتد و قدرتمند کارگران در صحنه مبارزه، جنبش طبقاتی کارگران را به اصلی ترین و مهم ترین نیروی فعال عرصه مبارزه مبدل ساخت.

در سال گذشته نه فقط مبارزات کارگران شکل سازمان یافته تری به خود گرفت، بلکه مجموعه این مبارزات در عین حال نشان داد که کارگران ایران به منافع طبقاتی خود به عنوان یک طبقه با اهداف و منافع مستقل از تمام اقشار و طبقات دیگر جامعه، بیش از پیش آگاهی یافته و سطح دانش و تجربه کارگران به میزان قابل توجهی ارتقاء یافته است.

جنبش طبقاتی کارگران در سال ۸۴، چنین نیست که در جوار سایر جنبش ها در عرصه اجتماعی مطرح باشد. جنبش طبقاتی کارگران در سال گذشته، به عنوان جنبش اخص طبقه کارگر، حضورش در عرصه جامعه بسیار پررنگ تر از گذشته بود و گاه تمام فضای سیاسی جامعه را تسخیر نمود.

سال ۸۴ سرشار از رویدادهایی است که هر کدام از آنها نشان از پیشرفت گام به گام و مداوم جنبش کارگری است. درخشش خیره کننده ستاره "واحد" اما در آسمان جنبش کارگری، جنبش طبقاتی کارگران را چندین گام به جلو سوق داد.